



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

رادیو در ۸ سال دفاع مقدس

چهل سالگی انقلاب اسلامی



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: زهرا فرخی

۱	مقدمه
۱	رادیو در آغاز جنگ تحمیلی
۳	نقش موثر رادیو در تبادل اطلاعات و راه ارتباطی رزمندگان و مردم پشت جبهه
۴	اهداف راه اندازی رادیو جبهه
۵	اجرای برنامه های رادیو از عمق ۳۰ متری زمین
۶	دستاوردهای رادیو در دوران دفاع مقدس
۷	نقش پوشش رسانه ای اخبار در دوران جنگ تحمیلی
۸	دفاع مقدس و موسیقی
۹	نحوه اعزام گزارشگران به جبهه
۱۰	نحوه انعکاس اخبار شهادت رزمندگان در صدا و سیما
۱۰	صدای ماندگار جبهه و جنگ
۱۱	روی موج جبهه
۱۴	منابع:



بسمه تعالی

مقدمه

جنگ تحمیلی که با هدف نابودی و فروپاشی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران طراحی شده بود با مقاومت و پایداری ملت ایران، تحت فرماندهی هوشمندانه و مدیریت حکیمانه حضرت امام (ره) و توکل به قدرت لایزال الهی، برخلاف اراده باطل دشمنان، به سربلندی ایرانیان تبدیل شد.

دوران دفاع مقدس به مثابه یکی از حساس‌ترین و بارزترین برهه‌های حیات ملت ایران، همچون نگینی تابناک، همیشه بر تارک تاریخ حماسه، ایثار و پایداری آزادگان جهان خواهد درخشید. دفاع امت اسلامی ایران در برابر تجاوز همه جانبه دشمنان اسلام، همواره در تاریخ مبارزات حق طلبانه ملت فروزان خواهد بود. صحنه‌های افتخارآمیز هشت سال دفاع مقدس، روایت فداکاری و مجاهدت مردمی است که با الهام از مکتب انسان‌ساز اسلام و با بهره‌گیری از فرامین الهی در قرآن کریم، از بذل جان و مال دریغ نکردند و با ایجاد حماسه حضور به یادماندنی در میدانهای نبرد، بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، نهال نورسیده انقلاب را با نثار خون پاک خود آبیاری کردند، تا اکنون شاهد پویایی و سربلندی ام‌القرای جهان اسلام باشند.

با توجه به توطئه‌های دشمنان اسلام برای ضربه زدن به کشور و تلاش برای انحراف و یا فراموش کردن دوران دفاع مقدس، به ویژه در نسل جوان، پاسداری از ارزش‌های شهدا و رزمندگان اسلام و انتقال فرهنگ دفاع مقدس ضروری است و باید بیان مجاهدت‌های رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی و تبیین فرهنگ ایثار و شجاعت در اولویت کاری همه مسئولان قرار گیرد.

ارزش‌های دفاع مقدس در جامعه اسلامی ما نوعی ارزش فرهنگی - اجتماعی تلقی می‌شود که در مقطع زمانی خاصی به سطح ارزش دینی، ملی و مردمی رسیده‌اند و اکنون نگرانی حفظ آنها از فراموشی و انحراف، به دغدغه فرهنگی تبدیل شده است. پاس‌داشت این ارزش‌ها و تکریم شخصیت‌هایی که در شکل‌گیری آنها نقش داشتند، وظیفه همگانی است و همه باید در این مسیر تلاش کنند. در این صورت است که ایثارگری‌ها و دلاوری‌های رزمندگان اسلام در دفاع مقدس در کنار بزرگواری و حمایت همه مردم عزیز کشورمان به میراثی ماندگار برای آیندگان تبدیل خواهد شد.

رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه ملی با توجه به نقش و رسالتی که در حفظ و حراست از ارزش‌ها و دستاوردهای عظیم دفاع مقدس برعهده دارند باید تلاش ویژه‌ای در این خصوص انجام دهند. در این میان توجه رسانه ملی به همه زوایا و مولفه‌های مرتبط با دفاع مقدس و همچنین نگاه ویژه به نقش احاد مختلف مردم از هر صنف، شغل، دین و مذهب، می‌تواند در فرهنگ‌سازی، آگاهی‌بخشی و ثبت دقیق این میراث گران‌بها کمک نماید. (مرکز طرح و برنامه‌ریزی سازمان صدا و سیما، شهریور ۱۳۹۳)

رادیو در آغاز جنگ تحمیلی



حمیدرضا خزایی از پیشکسوتان و مدیران سابق رادیو درخصوص حال و هوای رادیو در روزهای آغازین جنگ تحمیلی گفته است: جنگ ایران و عراق زمانی آغاز شد که مردم در تدارک بازگشایی مدارس بودند. روز یکشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ساعت ۱۴:۱۵ دقیقه، رژیم بعث عراق به فرودگاه مهرآباد و چند نقطه دیگر حمله کرد و ما از طریق تلفن‌های مکرر مردم متوجه شدیم که چه اتفاقی افتاده است. مردم زنگ می‌زدند که صدای هواپیماها و انفجارهایی در محوطه مهرآباد شنیده‌اند و... تا اینکه معلوم شد حمله نظامی صورت گرفته و جنگ شروع شده است.

من و دیگر همکارانم مثل خیلی‌ها آمادگی نداشتیم؛ ما تعدادی جوان بودیم که شور انقلابی داشتیم و برای کار وارد سازمان صداوسیما شده بودیم. چیزی از انقلاب نگذشته بود که این اتفاق افتاد. البته دشمن در این مدت هم توطئه‌هایی مثل

تشکیل گروه‌های ضد انقلاب و منافقین، ایجاد ناآرامی در شهرهای مرزی و... ایجاد کرده بود اما جنگ اتفاق جدیدی بود و ما هم تجربه‌ای در این زمینه نداشتیم. بنابراین تصمیم گرفتیم با شورای انقلاب تماس بگیریم و از آنها اطلاعیه‌ای دریافت کنیم. مردم همه دنبال تأیید خبر جنگ بودند تا اینکه تأیید شد جنگ صورت گرفته و اعلام کردند باید دفاع کنیم.

اولین اطلاعیه جنگ را چه کسی داد؟ اولین اطلاعیه را تحریریه پخش داد. متن اطلاعیه را هم جواد یاسینی^۱ با هماهنگی شهید بهشتی و دفتر امام نوشتند و اعلام کردند که جنگ صورت گرفته است. اطلاعیه یک صفحه‌ای بود که حدود ساعت ۳ بعدازظهر خانم سرور پاک‌نشان گوینده رادیو آن را اعلام کرد.

در این زمان از تلویزیون اطلاعیه‌ای اعلام شده بود؟ خیر، فقط رادیو این کار را کرده بود. در آن زمان برنامه‌های تلویزیون ساعت ۱۶ شروع می‌شد. در رادیو هم شبکه سراسری بود که ما در آنجا خبر آغاز جنگ را پخش کردیم. برنامه «برگی از تاریخ» که حسین ابوترابیان آن را می‌ساخت در روزهای یکشنبه پخش می‌شد. به یاد دارم آن برنامه را قطع کردند و مارشی از آرشو که متعلق به جنگ جهانی بود پخش شد. این مارش بار حماسی که ما می‌خواستیم نداشت اما منظور ما را برآورده کرد. البته ما سرودهای ملی و انقلابی داشتیم که از آنها هم استفاده کردیم. بعد هم که خانم پاک‌نشان خبر اول را خواند که رژیم بعث به کشورمان حمله کرده است، منتظر اطلاعیه‌های بعدی باشید.

نخستین اطلاعیه رسمی و نظامی کی پخش شد؟ نخستین اطلاعیه را آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان نماینده فرماندهی کل قوا در ساعت ۱۷ روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (به مدت ۷۰ ثانیه) از طریق تلفن به‌صورت زنده و مستقیم روی آنتن صدای جمهوری اسلامی قرائت کردند. بعد از آن چون ما تنها یک شبکه رادیویی داشتیم، روزهایی که عملیات بود برنامه‌ها را قطع می‌کردیم و مارش نظامی و سرود پخش می‌شد.

همان مارش اولیه؟ نه، ما آن مارش قدیمی را داشتیم تا اینکه بچه‌های اهواز مارش جدید را برای ما فرستادند. این مارش به‌نام مارش «شهریار» معروف بود که ۶ قطعه داشت. در واقع در این زمان شورای تبلیغات دفاع مقدس تشکیل شده بود که آقایان زورق، کمال خرازی و چند نفر دیگر از اعضای آن بودند. در این شورا کارهای تبلیغاتی با همکاری قرارگاه خاتم که قبلاً شکل گرفته بود انجام می‌شد. روزهایی که عملیات بود کمیته تبلیغات به تحریریه پخش رادیو اعلام می‌کرد و کمیته بحران که شامل تهیه‌کننده (من) و گوینده بود برنامه‌های در نظر گرفته شده را اجرا می‌کردیم. این کمیته در صورت پیروزی در عملیات اجازه داشت برنامه‌ها را قطع کند و مارش نظامی بزند و متن‌های حماسی بخواند و خبرهای جبهه و جنگ را به اطلاع مردم برساند.

متن‌های حماسی را چه کسی تهیه می‌کرد؟ اعضای تحریریه پخش شامل آقایان علی مطهری، هاشم هوشی سادات، محمد باقر راستگو، فتح‌الله جوادی، محمود دهقان، حسن فتحی، محمود کریمی علویجه، محمد کوبک، حمید جاوید موسوی و تعدادی دیگر از اعضای تحریریه پخش هر روز از صبح که مشغول کار می‌شدند جلسه شورای هماهنگی تشکیل می‌دادند و تقسیم کار می‌کردند و مطالبی نوشته می‌شد. همچنین به محض انجام عملیات، خبرهایی که از جبهه می‌آمد بر اساس آن خبرها هم متن‌هایی می‌نوشتند. یا مثلاً آقای حسن حسینی که در آن زمان افسر وظیفه بود و در رادیو ارتش کار می‌کرد همان جا متن می‌نوشت و می‌داد برای ما می‌آوردند. مرحوم قیصر امین‌پور هم برای ما شعر می‌فرستاد. تمام بچه‌هایی که به نحوی با کارهای دفاع مقدس و شب‌های شعر همکاری داشتند برای ما کار تبلیغی می‌نوشتند و می‌فرستادند. یک سری هم ابراز احساسات مردم بود که برای ما می‌آمد؛ مثلاً اگر زمانی عملیات می‌شد تلفن می‌زدند و شعر یا متنی می‌خواندند. نوحه‌ها و مداحی‌های آقای آهنگران و بچه‌های داخل جبهه هم بود. (خزایی، حمیدرضا، ۱۳۹۷/۶/۳۱، بازبایی از سایت تابناک)

^۱ - نخستین مدیر پخش رادیو پس از انقلاب در سالهای ۵۹ تا ۶۲

نقش موثر رادیو در تبادل اطلاعات و راه ارتباطی رزمندگان و مردم پشت جبهه

رادیو در دهه شصت از اهمیت بالایی برخوردار بود و هرکسی در کوچه و خیابان رادیوی کوچک جیبی به همراه داشت. همه پیگیر بودند که چه اتفاقی افتاده و همین وظیفه ما را سنگین تر می کرد. یاد همه شهدا و رزمندگان بخیر. آن زمان رادیو تنها دلخوشی بسیاری از خانواده‌ها بود و آنها صدای عزیزان خود را در این کانال می شنیدند. پیغام‌های بسیاری از رزمندگان از رادیو جبهه پخش می شد و ما وصیتنامه بسیاری از این عزیزان را هم از رادیو پخش می کردیم. دهه شصت رادیو جایگاه بسیار متفاوت تری نسبت به الان در میان خانواده‌ها داشت، ما تماس‌های بسیاری هم داشتیم که برخی خانواده‌ها رد و نشان عزیزان خود را از میان برنامه‌های ما میافتند و ضمن تماس با ما می‌خواستند که از وضعیت عزیزانشان مطلع شوند که در این بین برخی تماس‌ها موفق بود و برخی هم ناموفق. (خزایی، بازیابی از سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۷/۲)

از همان هفته اول جنگ، مردم شروع به ارسال متن‌ها و اشعار حماسی کردند و در واقع مثل همه جا در گرداندن رادیو هم مستقیماً سهمی شدند. چنین فضای جالبی در کنار ایفای جدی مسئولیت اطلاع‌رسانی، پخش دستورالعمل‌های ایمنی و ایفای وظیفه آموزش عمومی در زمینه جنگ، علاوه بر دلگرمی خود ما و مردم موجب قوت قلب فرماندهان جنگ شد. رادیو تنها رسانه‌ای بود که برنامه‌های آن در تمام جبهه‌ها دریافت می شد و بعضی از فرماندهان ارشد دفاع مقدس اذعان دارند که رادیو در بعضی مقاطع با قدرتی بیش از قدرت عملیاتی یک لشکر عمل می کرد. مخصوصاً در عرصه جنگ روانی. اقدامات ما در این عرصه از تهییج و حفظ انسجام افکار عمومی، حفظ آمادگی رزمندگان برای اجرای فوری هرگونه دستور عملیاتی و حفظ استمرار جریان حمایت مادی و معنوی مردم از جبهه تا خنثی‌سازی شایعات متنوع دشمن را شامل می شد. (خزایی، ۱۳۸۵، صص ۵۶ و ۵۵)

دوستان بسیاری در گرداندن رادیو جبهه به ما کمک کردند که در نهایت منجر به شهادت ۵ تن از آنها شد. البته رادیو جانبازان بسیاری هم دارد که آقای نظام‌اسلامی از جمله آنهاست. اکبر اورپی، مجید جیرانپور، محمدرضا نظام‌اسلامی، اسماعیل براری، احمد طبعی، مهدی فوادیان، عباس سنجری، شهید اکبر سعیدی، اردشیر تقفدراد و محمد امام جمعه گزارشگرانی بودند که به نوبت به جبهه می‌رفتند. همچنین مرحوم مهران دوستی، محمدحسینی نورشاهی، محمود کریمی علویجه، علیرضا کریمی، علیرضا معینی و نصرت الله اکبری نیز گویندگان این شبکه بودند. (خزایی، بازیابی از سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۷/۲)

مردم در ۸ سال دفاع مقدس از طریق رادیو در جریان مسائل جنگ قرار می‌گرفتند و ارزش‌های جنگ و جهاد را از طریق رادیو درک می‌کردند. از این رو عمده پوشش رادیویی تبلیغات دفاع مقدس از ابتدای تهاجم نیروهای عراق به عهده تولید و پخش صدای جمهوری اسلامی ایران بود. با توجه به شرایط خاص کشور و با توجه به نیازهای رزمندگان حاضر در خطوط مقدم جنگ، رادیو جبهه به‌عنوان شبکه فراگیر مرتبط با دفاع مقدس که از اواسط سال ۱۳۶۵ راه‌اندازی شد، از همه قالب‌های رایج برنامه‌سازی بهره می‌برد و ریتم نسبتاً تند و لحنی حماسی متناسب با شرایط موجود بر فضای کل برنامه‌های آن حاکم بود.

صدا و سیما ارتباط نزدیکی با رزمندگان، جبهه‌های نبرد و با خانواده شهدا داشت و این ارتباط نزدیک کمک می‌کرد به روند بالا بردن روحیه رزمندگان و بالا بردن روحیه مردمی که در شهرهای جنگ زده مانده بودند. خانواده‌هایی که در شهر بودند می‌بایست از طریق کانال خاصی مانند صدا و سیما، از نظر روحی تقویت می‌شدند. اینها باید برای ماندن در شرایط سخت توجیه می‌شدند و یا انگیزه‌شان بیشتر می‌شد. این کاری بود که صدا و سیما توانست انجام دهد. (لطیفیان، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۵)

یکی از خوشبختی‌هایی که نسل ما داشت، نسلی که در صدا و سیما دهه ۶۰ کار می‌کرد، اعتماد و ارتباطی بود که بین رسانه و مخاطب وجود داشت، این اعتماد راسخ و خدشه‌ناپذیر بود. فقط و فقط گوش‌ها به رادیو بود و شب موقع خبر به تلویزیون، آنگونه که ما به دقت و درستی ساعت و زمان اعلامی تلویزیون و رادیو، اعتماد داریم و همیشه ساعت‌های خودمان

را با زمانی اعلامی رادیو و تلویزیون تنظیم می‌کنیم، مردم در دهه ۶۰ به رادیو و تلویزیون همین اعتماد را داشتند و این اعتماد، اعتماد محتوایی، اعتماد خبری و اعتماد تولیدی بود. (چینی‌ساز، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۵)

آن موقع وسیله ارتباطی فراگیر رادیو بود. تمام رزمنده‌ها یک رادیوی ترانزیستوری در جیب‌شان داشتند. مثلاً رزمنده‌ها از طریق رادیو متوجه می‌شدند اگر در این جبهه به اهداف خود نرسیده‌اند سایر رزمندگان در دو جبهه دیگر پیروز شده‌اند و الان اسرای عراق در اهواز هستند، رادیو به این طریق باعث تقویت روحیه می‌شد. رادیو تنها وسیله ارتباطی رزمندگان در خطوط مقدم جبهه بود، نقش رادیو در بین رزمندگان بسیار مهم‌تر از تلویزیون و سیما بود. در برنامه پیام جبهه که غروب‌ها پخش می‌شد، رزمندگان به طور کامل خود را معرفی می‌کردند و خبر سلامتی‌شان را به خانواده‌هایشان اعلام و بر ایستادگی خود در برابر دشمن تاکید می‌کردند و بعد هنگام پخش برنامه، خود رزمندگان هم از طریق همین رادیو صدایشان را می‌شنیدند.

نقش صدا و سیما در جنگ فقط این نبود که رزمنده‌ها بجنگند و ما فیلم و گزارش بگیریم. ما در جنگ روانی با دشمن، هدفمان این بود که عراقی‌ها را به سمت خود جذب کنیم تا بیایند و پناهنده و اسیر شوند. در یک عملیات نظامی برای اینکه مثلاً حدود ۵۰ نفر خود را اسیر کنند چند نفر باید شهید شوند؟ چقدر باید امکانات مصرف شود؟ این کار را صدا و سیما در عملیاتی منحصر به فرد در عملیات برون مرزی و جنگ روانی، بدون هزینه انجام می‌داد. (حائری، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۳۵)

عملیات روانی داخلی ما براساس اصول متعارف جنگ روانی نبود. اینکه شما برخلوص و ایمان افراد جبهه خودی تاکید کنید و مداوم ضریب ایمانی آنها را بالا ببرید، اساس این عملیات روانی بود که در هیچ الگوی جنگ روانی دنیا چنین اصلی شناخته شده نیست. (شاه‌حسینی، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۳۵)

اهداف راه‌اندازی رادیو جبهه



(خزایی، ۱۳۸۵، ص ۶۴)

اجرای برنامه های رادیو از عمق ۳۰ متری زمین



«علیرضا معینی»^۱ اولین گوینده رادیو در جبهه از جمله گویندگان رادیویی است که صدای شان در ذهن مخاطب و شنوندگان می ماند و با شنیدن صدایش فوراً او را به یاد می آورند. وی درباره گویندگی در جبهه و خاطراتش در رادیو جبهه چنین می گوید: اوایل جنگ قرار شد که از هر مرکز رادیو و تلویزیونی تعدادی گوینده به مراکز مرزی اعزام شوند و ما به مرکز سرپل ذهاب اعزام و در پادگان ابوذر مستقر شدیم.

می توان گفت که آنجا اول خط جنگی بود و خط مقدم هم مجاور ما قرار داشت که بعد از آن پادگان ابوذر بود که با خاک یکسان شد ولی به هر حال پادگان ابوذر یکی از بهترین پادگان های شهرک و از نظر تجهیزات و امکانات جای مناسبی برای رزمندگان بود.

شمال این پادگان را که قبلاً منزل فرمانده این پادگان بود، من به کمک گروهی ۷۰ نفره تبدیل به استودیو صحرایی کردیم و رادیو جبهه، اولین رادیوی پوشش دهنده مناطق جنگی، شروع به کار کرد و بنده هم اولین گوینده آن بودم و بعد از من هم آقای محمود کریمی علویجه (خبر آزادسازی خرمشهر و بسیاری خبرهایی از این قبیل را اعلام کرد) در این بخش فعالیت کرد.

آیا تمام اخبار رادیو جبهه از آن استودیو مخابره می شد؟ این رادیو در جبهه مستقر بود و بعد از مدتی هم یک رادیو جبهه ای در تهران در میدان ارگ راه اندازی شد و یک سری برنامه های حماسی و گزارش هایی از جنگ را پوشش می داد ولی رادیویی که بنده در آن حضور داشتم، فرستنده ای داشتیم که بعضی اوقات به این علت که فرکانس هایی رد و بدل شده مکان ما را به بعضی ها نشان می داد، به ضرر خودمان تمام می شد، ولی با این حال ما مرتب جای خود را تغییر می دادیم. البته هنوز هم بسیاری از اسناد و مدارک این رادیو محرمانه است و هنوز برملا نشده است. چه بسا بنده آنجا شاید فقط گوینده بودم ولی بسیاری از اخباری که می خواندم برای بعضی از فرماندهان و برنامه ریزان جنگ، به منزله پیامی مهم بود و این رادیو نقشی بسیار اثرگذار در دفاع مقدس ما داشته است.

با چه تعداد نیرو و چقدر تجهیزات کار می کردید؟ تمام زمانی که آنجا بودید در استودیو می گذشت یا فرصت انجام کارهای دیگر هم داشتید؟ برنامه های ما در این رادیو از ساعت ۸ صبح شروع می شد تا اذان ظهر و بعد از آن برنامه های رادیو تهران پخش می شد و ما بالا فاصله در ساعت ۲ برنامه های ویژه خود را شروع می کردیم. ما اکیپی ۷ نفره (متشکل از یک نفر صدا بردار، یک نفر مسئول فرستنده، ۳ نفر نویسنده و یک نفر هم گوینده و در آخر هم یک نفر مدیر آن مجموعه) و در شمال پادگان مستقر بودیم و هیچ کس از فعالیت هایی که ما انجام می دادیم با خبر نبود و بعد از آن شهر، در بانه مستقر شدیم، در ۳۰ متری زمین برنامه را اجرا می کردیم که لطف خدا و امدادهای غیبی ما را از خطرها دور کرد. در مجموع در هیچ جای جهان سابقه نداشته است که رسانه رادیو به شکل کاملاً تکنیکی و هنرمندانه در اختیار و خدمت جنگ باشد. (معینی، بازیابی از سایت خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۵/۸/۴)

^۱ - او متولد سال ۱۳۳۵ در اصفهان و فارغ التحصیل رشته تولید برنامه های رادیویی و تلویزیونی از دانشکده صدا و سیماست. بسیاری او را به واسطه شعرخوانی های درست و دقیقش می شناسند که به صدای خوب این هنرمند گره خورده است.

دستاوردهای رادیو در دوران دفاع مقدس



هشت سال جنگ تحمیلی صحنه رشادتهای مردان و زنان دلاوری از این دیار است که در نهایت ایثار و فداکاری به نبرد با باطل پرداختند تا از میهن عزیزمان «ایران» دفاع کنند. مردان و زنان فداکاری که بسیاری از آنها شهید شدند و بسیاری دیگر تا امروز با یادگاری‌هایی از آن دوران که آثارش در تنفس، چشم، دست و پاهایشان هنوز هم مشهود است زندگی می‌کنند. رسانه ملی از همان آغاز جنگ تا امروز

نقش بسزایی در به تصویر کشیدن و توصیف کردن هشت سال دفاع مقدس داشته و دارد. آثار بسیاری در حوزه‌های مختلف از جمله مستند، برنامه رادیویی و سریال تلویزیونی با این مضمون ساخته شد که یادآور و نشان‌دهنده دلاوری و شجاعت مردم این آب و خاک است.

برنامه‌های متفاوتی در دوران جنگ از رادیو پخش می‌شد که نقش مؤثری در انتقال اخبار و همچنین پر کردن اوقات فراغت رزمندگان داشت. «در جبهه چه می‌گذرد»، «پیام جبهه»، «صدای جبهه‌ها» و «رادیو جبهه» از برنامه‌های رادیویی آن دوران است.

«رادیو جبهه» از برنامه‌های شاخص دوران جنگ است که به همت حمیدرضا خزایی، مدیر و تهیه‌کننده رادیو و با هدف پر کردن اوقات فراغت رزمندگان و ایجاد ارتباط صمیمانه با آنها تأسیس شد. (بازیابی از سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴/۶/۳۱) حمیدرضا خزایی اولین مدیر رادیو جبهه در خصوص نحوه راه‌اندازی رادیو جبهه می‌گوید: در سال‌های اوایل انقلاب که جنگ تحمیلی رخ داد، فقط ۲ شبکه رادیویی داشتیم. یکی رادیو سراسری بود و دیگری هم شبکه‌ای بود که گزارشات مجلس و در برخی ساعات هم دروس خارج را پخش می‌کرد. رادیو سراسری آن زمان وظیفه‌اش متمرکز بر خانواده بود و صبح‌ها هم برنامه‌های خانوادگی‌اش را روی آنتن می‌برد، پس نمی‌شد روی این شبکه حساب باز کرد.

آن زمان گروهی تحقیقاتی شکل گرفت و پرسشنامه‌هایی میان رزمندگان بسیجی، سپاهی و ارتشی توزیع کردیم و مصاحبه‌هایی هم انجام شد. تحقیقات با نظرات رزمندگان ارتش و سپاه و نیروهای خودجوش انجام شد و ما جمع‌بندی را به شورای تبلیغات جنگ سازمان صداوسیما بردیم و آن زمان محمد هاشمی که رئیس وقت سازمان صداوسیما بود؛ پذیرفت که برای مدتی کوتاه رادیو جبهه راه‌اندازی شود. بعد از تکمیل شدن تحقیقات، مسئولان سازمان صدا و سیما به این نتیجه رسیدند که ما برای اطلاع‌رسانی به شبکه‌ای مجزا نیاز داریم. چون آن زمان فقط اخبار عملیات‌ها از رادیو سراسری به روی آنتن می‌رفت.

در تحقیقات انجام شده مشخص شد که در جبهه‌های جنوب و غرب نیاز بیشتری به برنامه‌های حماسی داریم و قرار شد رادیو جبهه فقط برنامه‌هایی خاص رزمندگان داشته باشد. در نهایت نیز این شبکه سال ۶۵ روز تولد پیامبر(ص) برابر با ۱۷ ربیع‌الاول راه‌اندازی شد و تا پایان جنگ فعالیت کرد. ابتدا روزی ۳ ساعت برنامه داشت، از ساعت ۸ تا ۱۱ صبح برنامه‌های آن در تهران، کرمانشاه، اهواز و خطوط مرزی روی موج افام قابل دریافت بود. چون آن زمان امکانات نبود، تمام کشور امکان شنیدن برنامه‌های این رادیو را نداشتند. در مواقع حساس هم برنامه‌های رادیو جبهه روی شبکه سراسری رله می‌شد.

اوایل من، مرحوم جمشید^۱ خلقی و محمدحسین حرمی^۲ بودیم که از بین آنها قسمت شد تا من مدیریت را برعهده داشته باشم. نیروهای کل سازمان هم درگیر این ماجرا بودند. گزارش‌هایی که از نقاط مرزی گرفته می‌شد، با ماشین و قطار به دست ما می‌رسید و البته روزی یک ساعت هم از طریق ماکروویو ارتباط زنده داشتیم که مصاحبه‌های فرماندهان و بچه‌های عملیات شامل این بخش می‌شد. آن زمان بخش‌های برون مرزی و خبر سیاسی هم کمک‌های بسیاری به ما می‌کردند و

۱ - دومین مدیر رادیو جبهه که به مدت حدود یکسال مدیریت رادیو جبهه را به عهده داشت

۲ - آخرین مدیر رادیو جبهه

یادم هست مثلاً آقای پاکدل و چند نفر دیگر که در تلویزیون بودند، از این گزارش‌ها برنامه‌هایی ساختند و همین باعث شد تا کم‌کم گروه‌های جبهه و شاهد در تلویزیون راه‌اندازی شود.

دوران دفاع مقدس باعث شد که گوینده، نویسنده، تهیه‌کننده و برنامه‌سازان بسیاری در حوزه دفاع مقدس تربیت شوند. آن زمان تصاویر و اخبار از قرارگاه خاتم آماده می‌شد و به واحد تبلیغات جنگ صداوسیما فرستاده می‌شد و آنجا با استفاده از گفتار و موسیقی و ... در برنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. گاهی شعرا و نویسندگان بسیاری آثار خود را به ما می‌دادند تا از آنها استفاده کنیم. موسیقی حماسی در رادیو به واسطه رادیو جبهه شکل گرفت، تا قبل از آن موسیقی انقلابی پخش می‌شد و ما موسیقی حماسی نداشتیم، اما بعد از راه‌اندازی این شبکه، اسفندیار قره‌یاعی، محمد گلریز و شهرام ناظری با سروده‌های حماسی علی معلم دامغانی و ... موسیقی‌های حماسی مناسبی خواندند.

مدیریت برنامه‌های رادیویی در زمان جنگ از دشوارترین مسئولیت‌ها در تاریخ رادیو بود. خیلی چیزها را ما برای اولین بار درک می‌کردیم و تجربه قبلی نداشتیم. این موضوع کار را خیلی سخت می‌کرد اما به همان نسبت هم باعث می‌شد تا بیشتر تلاش کنیم و همفکری و همدلی بیشتری با هم داشته باشیم.

در دوره دفاع مقدس، حساسیت‌ها بسیار بالا بود و ما برای اینکه به کارکنان رادیو اعلام کنیم در چه موقعیتی هستیم، مارش نظامی می‌زدیم. وقتی صدای مارش درمی‌آمد همه تیم رادیو جبهه موظف بودند که خود را به دفتر رادیو جبهه برسانند و سریع برنامه‌سازی را شروع کنند. به عنوان مثال ساعت ۱۰ صبح مارش به صدا درمی‌آمد و می‌گفتند که قرار است ساعت ۱۳ فلان خبر مربوط به فلان عملیات خوانده شود، همین باعث می‌شد که سریع عوامل رادیو با همفکری برنامه را در همان مدت کوتاه ببندند. (خزایی، بازیابی از سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۷/۲)

نقش پوشش رسانه‌ای اخبار در دوران جنگ تحمیلی

کنترل و نظارت بر اخبار در جنگ ضرورت و نیاز است به چند دلیل: دلیل اول این است که اطلاعات را به دشمن ندهید، در بعضی از خبرها مثلاً گفته می‌شد که موشک دشمن به فلان منطقه اصابت کرد. وقتی شما می‌گویید به فلان منطقه اصابت کرد؛ اگر دشمن درست زده باشد، می‌فهمد هدفش درست بوده و اگر اشتباه زده باشد هدف‌گیری‌اش را اصلاح می‌کند. در نظر بگیرد امکان دارد یک سری مسائل حفاظتی و امنیتی، در جنگ پیش بیاید. از طرف دیگر بحث ضرورت حفظ روحیه مردم است. نباید خبرهایی منتشر شود که قاعداً روحیه مردم را تضعیف کند و یا مشکل و نگرانی ایجاد کند. در عین اینکه شما خبرهایی را به مخاطبان می‌دهید باید نظارت و کنترل شود که باعث توفیق دشمن در جنگ روانی نشود و خواسته‌های دشمن محقق نشود. (روغنی‌ها، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۲)

در مجموع عملکرد صدا و سیما در ارتباط با جنگ بسیار مثبت ارزیابی می‌شود چون با امکانات محدود، با توقعات متعدد و باورها و انگاره‌های متفاوت، توانست آن خدماتی که برعهده‌اش بود انجام بدهد، برای تدارکات جبهه توانست به نحو احسن کار کند. همچنین برای تبلیغات در جبهه و تهییج جوانان به خوبی کار کرد. (هاشمی، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۲)

عملکرد صدا و سیما از این جهت ممتاز بود چون عملکرد بسیجی‌ها ممتاز بود، چون عملکرد رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت امام (ره) ممتاز بود، چون عملکرد جوانان ۲۳ و ۲۴ ساله‌ای که فرماندهان بزرگ جنگ شدند، استراتژیست‌های نظامی شدند، معارف جنگ کلاسیک را تغییر دادند، ممتاز بود، به نظر می‌رسد وقتی ما این سرمایه انسانی را، با آن ابزارها و ظرفیت‌هایی که در اختیار رادیو و تلویزیون بوده را نگاه می‌کنیم و بعد دستاوردهایشان را می‌بینیم، اصلاً قابل اندازه‌گیری نیست و حیرت‌آور است. (شاه‌ویسی، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۲)

در زمینه تبلیغات، تمام دستگاه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی کشورهای غربی و امریکایی علیه ما بسیج شده بود، فقط صدا و سیما بود که در مقابل آنها به دفاع از انقلاب و انعکاس اخبار جنگ می‌پرداخت با این تفاوت که خبرنگاران صدا و سیما ما به خط مقدم جبهه می‌رفتند و جان خود را به خطر می‌انداختند تا صحنه‌های دفاع و واقعیت‌ها را مستند و خبرش را منتشر کنند لذا صحنه‌هایی که از طرف ایران در جنگ منعکس می‌شد به نظر من با هر جنگ دیگری متفاوت است، چرا

که جنگ میدانی است. حضور خبرنگاران صدا و سیما در خط مقدم جبهه واقعیت بود و تعدادی از آنها نیز شهید شدند، مجروح هم دادند و ماندگار شدند. (قدیری ابیانه، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۲)

شهدای گرانقدر رادیو



دفاع مقدس و موسیقی

زمانی که جنگ تحمیلی پیش آمد ما یک ثانیه هم موسیقی مناسب آن نداشتیم، موسیقی لطیف نمی توانستیم پخش کنیم، جنگ موسیقی مارش می خواست، چنین موسیقی ای در سازمان تولید نشده بود و موسیقی های انقلابی ما نیز مربوط به ۲۲ بهمن بود و ارتباطی با جنگ نداشت و ملی میهنی نبود. کار خیلی سختی بود. همه در آرشو شروع کردیم به گشتن، در نهایت از مارش های خارجی استفاده کردیم، مارش های جنگ جهانی دوم. (جولایی، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم)

پایه پای ادبیات جنگ، چه داستان و چه شعر، موسیقی جنگ نیز شکل گرفت. به همت دوستانی که جبهه آمدند و جنگ را دیدند و شعر سرودند، به تدریج برخی از این شعرها در قالب سرود، ترانه و موسیقی جنگ درآمد و موسیقی جنگ شکل گرفت. (فراست، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم)

در دفاع مقدس ما مسئولیت و مأموریت جدیدی در واحد موسیقی پیدا کردیم که نانوشته و ناگفته بود و آن اینکه حالا جنگ شده است و بایستی موسیقی ای بسازیم که برای جنگ مناسب باشد. موسیقی ایرانی اصولاً کشش های درونگرایی و عارفانه و بینش های تجریدگرایانه دارد و برای موسیقی جنگ یا دفاع ساخته نشده است. موسیقی جنگ قاعدتاً مارش است که برونگراست، تپش دارد، هیجان برانگیز و گاهی تهاجمی است و این از خصوصیات موسیقی سنتی ما بدور است. حال برای اینکه بتوانیم از موسیقی سنتی که بیشتر بزمی است و درون گرا، موسیقی رزمی در بیاوریم، باید اتفاقات دیگری بیفتد و آن اتفاقات افتاد و با استفاده از سازهای غیر ایرانی و تکنیک های بین المللی که وجود داشت و در کشور هم کسانی بودند که از این تکنیک ها اطلاع داشتند، به تدریج سرودهایی که در تمام طول جنگ شنیدیم و این سرودها ارزش ها را پاس می داشت، ساخته شدند. ما از امکانات موسیقی سنتی و ایرانی برای ایجاد هیجان، امید، پاسداشت ارزش های انقلاب، شهادت، جانبازان و اسرا، برای تهییج مردم در کمک به جبهه، برای تهییج جوانان به رفتن به جبهه، برای آرامش بخشیدن به خانواده هایی که فرزندان شان و همسرانشان را باید به جبهه گسیل می کردند، استفاده می کردیم. این شد وظیفه دیگری که نانوشته برعهده موسیقی گذاشته شد. (شاهنگیان، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم)

جنگ موسیقی سنتی ما را برنمی تافت و موسیقی خاص خودش را می خواست. موسیقی رزمی، مارش و طبل و سنچ و ترومپت را می خواست، اینها موزیک هایی رزمی بودند. قبل از آن در موسیقی مان نه اینکه مفاهیمی از این دست نباشد ولی به این شکل بیان نمی شدند. (ارجمند، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم)

پخش مارش حمله به عنوان یک الگوی جنگی و نشاط‌آور برای ما عوامل صدا و سیما بود. به محض اینکه مارش جنگی را می‌شنیدیم و صدا از بلندگوهای مختلف مساجد، ماشین‌ها، تلویزیون و رادیو پخش می‌شد احساس غرور در ما قلیان می‌کرد، چون مارش حمله پیامد موفقیت نیروهای نظامی ما در جنگ بود. (رستار، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم)

هیجان اولیه پیروزی‌ها در دفاع مقدس با مارش حمله بود، بعد صدای موسیقی جنگ، صدای مجری و گوینده و سایرین بر مردم اثر می‌گذاشت، اول مارش حمله ذهن‌ها را آماده می‌کرد، یعنی فشار خون همه جابجا می‌شد همه دچار هیجان می‌شدند، بعد گوینده خبر پیروزی را اعلام می‌کرد یا اطلاعیه را می‌خواند. گوینده، مجری و گزارشگر با صدای مارش حمله هیجان پیدا می‌کردند و آن موسیقی به آنها هیجان می‌داد. یا وقتی پیام و کلامی از امام را برای رزمندگان پخش می‌کردیم خود ما که در استودیو نشسته بودیم ناخودآگاه در اثر هیجان خیس از عرق می‌شدیم، کف دستها و پشت گوشه‌ایمان عرق می‌کرد و به هیجان می‌آمدیم. (کریمی، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم)

نحوه اعزام گزارشگران به جبهه

مجید جیران‌پور گزارشگر رادیو جبهه در خصوص نحوه اعزام گزارشگران به خطوط مقدم گفته است: ۱۵ تا ۲۰ نفر در گروه گزارش کار می‌کردند که همه آنها علاقه‌مند به حضور در جبهه‌ها بودند و معمولاً رقابت سختی میان آنها وجود داشت. از طرفی با مشکل کمبود نوار هم مواجه بودیم و یکی از عادت‌های عمومی گزارشگران و حتی برنامه‌سازان، جمع‌آوری خورده نوارهای ادیت شده برای استفاده مجدد بود. تازه بعد از تهیه نوار و موفقیت در مسابقه اعزام به جبهه، با ممانعت‌ها و احتیاط‌های فرماندهان خطوط جبهه مواجه می‌شدیم که به سختی اجازه حضور در خطوط مقدم را به گزارشگران می‌دادند. مشکل بعدی رساندن گزارش‌ها به تهران بود. وسایل ارتباطی امروزی وجود نداشت و استفاده از خط برگشت هم پرهزینه بود؛ لذا گزارش‌های تهیه شده را به مرکز صدا و سیما می‌آهواز می‌بردیم و یک نوبت از رادیو اهواز پخش می‌کردیم و بعد با اولین خودرویی که عازم تهران بود به تهران می‌فرستادیم. به تدریج شیوه ارسال تلفنی را فراگرفتیم و برای این کار فیش‌های مخصوصی درست کردیم که خروجی دستگاه‌های ناگرا^۱ را به تلفن وصل می‌کرد. (خزایی، ۱۳۸۵، صص ۲۸۹ و ۲۹۰)

عباس موسایی‌سنجری گزارشگر رادیو در دوران دفاع مقدس در خصوص نحوه اعزام گزارشگران به جبهه می‌گوید: گزارشگران دفاع مقدس در خود جبهه‌ها تربیت شدند و من می‌توانم ادعا کنم آنچه در طول مأموریت‌های رادیویی در جبهه‌ها یادگرفتم و به دست آوردم همه چیز من است. در ابتدا به دلیل شور و اشتیاقی که در من و سایر گزارشگران بود به صورت داوطلبانه ثبت نام می‌کردیم و به همراه اکیپ پس از هماهنگی با قرارگاه‌های مستقر در منطقه جنگی اعزام می‌شدیم. برای اعزام به منطقه جنگی جنوب ابتدا در اهواز کارت ورود به منطقه می‌گرفتیم و با تجهیزات کامل به خط اعزام می‌شدیم. سنگر به سنگر تا خط مقدم با رزمندگان اسلام همراه بودیم و گزارش تهیه می‌کردیم. (خزایی، ۱۳۸۵، صص ۳۱۹ و ۳۲۰)

علی‌اصغر فوادیان از گزارشگران رادیو در زمان جنگ در خصوص اعزام گزارشگران گفته است: رادیو بعد از انقلاب در زمینه گزارشگری رشد خوبی داشت. گزارشگران با توجه به شرایط موجود هرکدام به نحوی کار را یاد گرفته بودند و مثل رزمندگان تجاربشان را در زمینه‌های مختلف به هم انتقال می‌دادند. در آن زمان برنامه‌های رادیو ۷۰ درصد کلام و ۳۰ درصد موسیقی بود و گزارشگری جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ها داشت. به همین دلیل گروهی به نام گروه گزارش مشغول به کار شد و به برنامه‌سازان در جهت تامین محتوای برنامه‌هایشان کمک می‌کرد. معمولاً هر بیست روز یکبار گزارشگران به جبهه اعزام می‌شدند. همیشه یکی دو نفر از گزارشگران در جبهه‌ها حاضر بودند و اگر شانس می‌آوردند و عملیاتی می‌شد، گزارش تهیه می‌کردند و گاهی هم که عملیات نبود و جبهه‌ها را کد بود باز هم گزارشگران حضوری فعال داشتند و تقریباً ۸۰ درصد برنامه‌های رادیو جبهه با کمک گروه گزارش تامین می‌شد. (خزایی، ۱۳۸۵، صص ۳۲۷ و ۳۲۷)

^۱ - ناگرا ابزار کار و دستگاه ضبط صدای گزارشگران رادیو است.

نحوه انعکاس اخبار شهادت رزمندگان در صدا و سیما

نوعی توقع وجود داشت از طرف خانواده شهدا که صدا و سیما باید شهدا را مطرح کند و راجع به آنها گفته شود. از طرفی یک سیاست و استراتژی هم بود که سازمان تبلیغات جنگ ابلاغ کرده بود با این مضمون که در زمان جنگ ما نباید کاری کنیم که علامت و نشان دهنده ضعف و موجب تضعیف روحیه باشد. این مسئله قضایا و زوایای مختلف داشت و منحصر به این مورد خاص که مطرح شد نیست و تفکیک این امر و جداسازی آن در برنامه‌ها و گزارش‌های خبری صدا و سیما کار مشکلی بود که ما اخبار و واقعیت‌ها را گزارش بدهیم و تضعیف روحیه نشود و هم یک سری از واقعیت‌ها را به نحوی به درون جامعه منتقل کنیم. (هاشمی، فرارگاه بی‌قرار، قسمت ۲۷)

ما باید روحیه مردم را حفظ می‌کردیم، باید آن وجه حماسی جنگ را نشان می‌دادیم، اما عزاداری‌ها را نگه می‌داشتیم برای موقع مناسب، پس از جنگ. بنابراین ما کار بسیار سختی به عهده داشتیم، باید خانواده شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان را راضی نگه می‌داشتیم، در عین حال باید جریان سیل اعزام نیرو به جبهه‌ها را همچنان به قوت خود حفظ می‌کردیم که کار بسیار مشکلی بود. (پورمحمدی، فرارگاه بی‌قرار، قسمت ۲۷)

به این منظور، سال ۶۴ به فرمان امام خمینی (ره) گروه تلویزیونی شاهد تشکیل شد و در آن از زوایای مختلف به موضوعات زندگی، مسائل و مشکلات خانواده شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودان پرداخته می‌شد.

صدای ماندگار جبهه و جنگ



روز سوم خرداد ۱۳۶۱، رادیوی جمهوری اسلامی ایران، ساعت ۱۴، همزمان با پخش مارش نظامی، این جملات را در سراسر ایران منتشر کرد: «شنوندگان عزیز توجه فرمایید! شنوندگان عزیز توجه فرمایید! خرمشهر! شهر خون، آزاد شد». این خبر تاریخی با صدای پرتنین و تاثیرگذار جوانی به نام «محمود کریمی علویجه» در حافظه تاریخی ملت ایران ثبت شد.

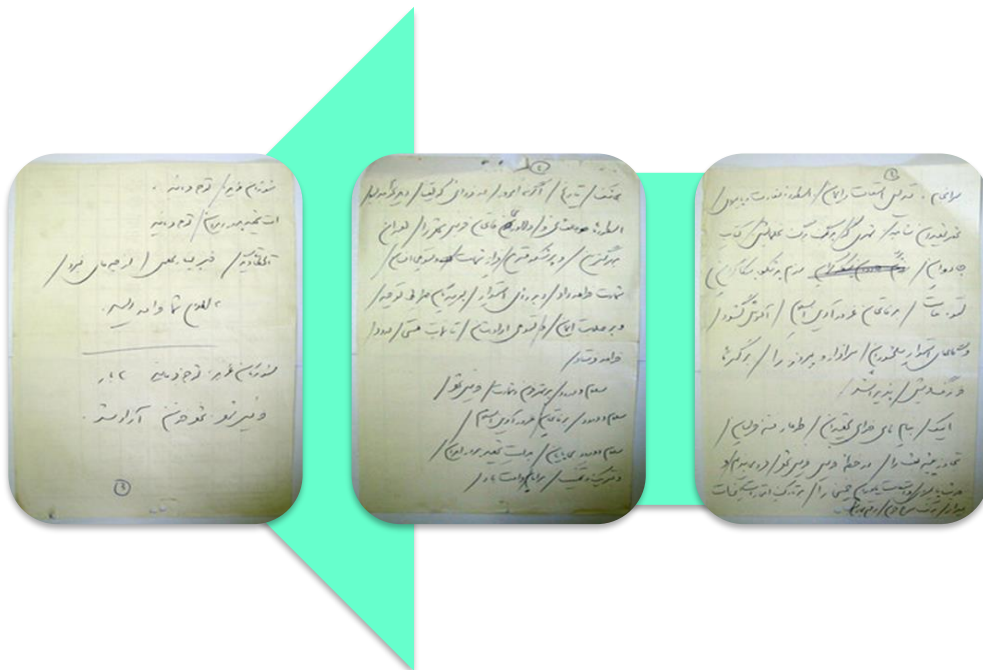
روز سوم خرداد ۱۳۶۱ و ماجرای اعلام خبر آزادسازی خرمشهر: خبر آزادسازی خرمشهر ساعت ۱۱ روز سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ بدست ما رسید. مدیران وقت با توجه به اهمیت مسئله می‌خواستند در نحوه اعلام خبر سنگ تمام بگذارند. به تعبیر مدیر وقت رادیو می‌خواستیم مراسم پرشکوه رسانه‌ای برای آزادی خرمشهر برگزار کنیم. برنامه‌های عادی رادیو را قطع کردیم، حدود چهار ساعت از ۱۱ صبح تا ساعت سه بعد از ظهر مارش نظامی بود و حماسه‌خوانی ما. شعر و شور بود و موسیقی و مارش جنگ، که کشور را به نشاط آورده بود و مردم هنوز نمی‌دانستند چه خبر است. فاصله بین مارش‌ها کوتاه‌تر و کوتاه‌تر می‌شد و از حادثه مهمی خبر می‌داد.

قرار بود بعد از پایان پخش خبر ساعت ۱۴ بعد از ظهر، خبر آزادی خرمشهر اعلام شود. بر سر اعلام این خبر مهم میان پخش رادیو و پخش خبر رقابت بود. مدیران وقت رادیو، آن طور که بعدها فهمیدم، می‌خواستند اعلام خبر آزادی خرمشهر با صدای بنده باشد و مدیران خبر اصرار داشتند گوینده خبر، آقای «ناصر کاشانی»، خبر را بخواند. بالاخره ساعت موعود فرارسید و برادرم کاشانی خبر آزادی را خواند. جمله معروف «خونین شهر، شهر خون آزاد شد.» و مارش نظامی ادامه پیدا کرد و میکروفون را به بنده دادند و من هم خبر را اعلام کردم.

به دنبال اعلام خبر آزادسازی خرمشهر متنی را خواندید که کمتر تاکنون به آن پرداخته شده است، در این مورد هم صحبت کنید. در همان حال و هوایی که همه منتظر اعلام خبر آزادی خرمشهر بودیم، بنده این متن رادیویی را نوشتم. آن بخش از خبر آزادسازی خرمشهر (شنوندگان عزیز توجه فرمایید، شنوندگان عزیز توجه فرمایید، خونین شهر،

شهرخون آزاد شد) را رادیو و تلویزیون بسیار پخش می‌کند. اما این متن و اجرا و پخش آن، بخش مهمی از مراسم پرشکوه رسانه‌ای بود که دوستان ما در رادیو تدارکش را دیده بودند. مارش نظامی که سنگین و سهمگین می‌کوبید، صدای ضبط شده الله اکبر آقای مرتضایی فر که با الله اکبرهای مردم میکس شده بود و اعلام بزرگترین حماسه نظامی تاریخ معاصر ایران، آزادی خرمشهر.

تصویر اصل متن روخوانی شده از این نوشته به این صورت است:



همانطور که ملاحظه می‌کنید زمانی که این متن نوشته می‌شد، اگر چه خودم می‌نوشتیم، ولی واقعاً فکر نمی‌کردم که خاطره خونین شهر، حماسه خونین شهر و داستان آزادی خرمشهر عزیز ما این طور جاودان و ماندگار شود و برای سالها اینگونه در ذهن و خاطر مردم بزرگ، باقی بماند. واقعیت این است که این حماسه‌ها، حماسه‌های ماندگاری هستند و از یاد و خاطر ملت قدرشناس ما، ملتی که قدر فرزندان خودش را می‌داند نخواهد رفت. ملت ایران کسانی را که برای حفظ و آزادسازی خونین شهر و دفاع از خاک ایران، جانشان را فدا کردند، فراموش نخواهند کرد. (کریمی علویجه، بازیابی از سایت خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۴/۳/۳)

روی موج جبهه



زنده‌یاد مهران دوستی اولین گوینده «رادیو جبهه» و از راویان موفق لحظات پرشور نبرد رزمندگان اسلام، درخصوص خاطرات خود از این برنامه گفته بود: خاطرات بسیاری از «رادیو جبهه» دارم. آن زمان هر گزارشگری که از رادیو و یا تلویزیون به جبهه می‌رفت، برای این برنامه نیز گزارش تهیه می‌کرد. مردم ارتباط خوبی با «رادیو جبهه» برقرار کرده بودند و با ما تماس می‌گرفتند،

حتی از خارج کشور هم برای ما نامه می‌فرستادند. به یاد دارم یک روز مادری از کرمان با برنامه تماس گرفت و گفت: «پسرم به تازگی عقد کرده است اما به خاطر علاقه‌ای که به جبهه دارد، به آنجا آمده و مراسم عروسی خود را عقب انداخته است، خواهش می‌کنم به او بگویید برگردد. ما هم در برنامه نام آن رزمنده را اعلام کردیم و بعد رزمنده تماس گرفت و قول داد که بر می‌گردد. (بازیابی از سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴/۶/۳۱)

احمد طبعی گزارشگر رادیو در دوران دفاع مقدس یکی از خاطرات خود از این دوران را چنین شرح داده است: یکبار بیش از نوزده هزار نفر اسیر گرفته بودیم و آنقدر تعداد زیاد بود که به رادیو دزفول رفتیم و اطلاعیه‌ای خواندیم که هر کس صدای ما را می‌شنود بیاید اسیر برسد. حتی یادم است با موتور آمده بودند اسیر ببرند. دست و پای اسیرها را می‌بستند و می‌بردند. در آن مقطع ظرف ۱۰ تا ۱۲ روزی که در جبهه بودیم بیش از هزار کیلومتر خطوط جنگ را طی کردیم تا لحظه لحظه آن حماسه را ثبت کنیم. (خزایی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۸)

محمد خزایی اولین مدیر رادیو جبهه مهم‌ترین خاطره خود از دوران دفاع مقدس را مربوط به روز فتح خرمشهر دانسته و گفته است: از ساعت ۱۱ برنامه‌های عادی رادیو قطع شد و طی ۳ الی ۴ ساعت تمام گروه طرح و برنامه با هم همفکری کردند که چطور این خبر مهم را به مخاطبان برسانند و در نهایت متن «شنوندگان عزیز توجه فرمایید، شنوندگان عزیز توجه فرمایید...» آماده شد. خوشبختانه آن زمان رادیو جایگاه ویژه‌ای میان رزمندگان داشت و حتی ما برایشان رادیو ترانزیستوری می‌فرستادیم. مردم هم دائم رادیوهایشان روشن بود و اخبار و برنامه‌های دفاع مقدس را دنبال می‌کردند. در آن سال‌ها روی ماشین‌ها بلندگو نصب شده بود و برنامه‌های رادیو جبهه از طریق بلندگو به گوش رزمندگان می‌رسید و گزارش‌های خطوط مقدم هم به سمع مردم می‌رسید. رادیو جبهه تجربه جدیدی بود. باید تاکید کنم در رادیو یک نفر کار نمی‌کند، بلکه یک گروه فعالیت می‌کنند و در آن سال‌ها ما سعی می‌کردیم گزارش‌های مطلوبی از خطوط مقدم تهیه و پخش کنیم. دوران سختی بود و خوشحالم مردم ما سربلند از آن بیرون آمدند. به نظرم موفق‌ترین دوره صداوسیما متعلق به دوره دفاع مقدس است هرچند که الان شیوه کار سخت‌تر و پیچیده‌تر شده است. (خزایی، بازایی از سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۷/۲)

علیرضا معینی گوینده رادیو جبهه با بیان خاطرات خود از دوران دفاع مقدس گفته است: محتوای رادیو جبهه اخبار، اطلاع‌رسانی، بعضاً سرگرمی، موسیقی‌های رزمی و انتقال حال و هوای جبهه‌های جنگ بود، حال و هوایی که تک‌تک ما داشتیم. من در استودیو به‌عنوان گوینده یک کلاشنیکف دستم بود، ما هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره‌ی جا و موقعیتمان نمی‌توانستیم بدهیم چرا که مورد اصابت گلوله‌ها و تانک‌ها قرار می‌گرفتیم.

ما در «بانه» در عمق ۳۵ متری زمین استودیوهایمان را برقرار کردیم و در این مدت واقعاً معجزه‌های زیادی را به چشم دیدیم. معینی از خاطره‌های خود در ایام دفاع مقدس چنین یاد می‌کند: شبی که باران آمده بود شب تا صبح صداهای عجیبی را بالای سرمان می‌شنیدیم، صبح که بالا آمدیم دور و بر ما پر بود از موشک‌های دو سه متری که در زمین‌های گلی فرو رفته بود. دشمن تمام آن منطقه‌ای که به درستی حدس می‌زد ما در آن جا در زیرزمین هستیم، راکت و موشک‌های زیادی انداخته بود که با تعجب فردای آن روز دیدیم از آن ۳۰-۴۰ موشک حتی یکی هم عمل نکرده بود. اگر یکی از آنها عمل می‌کرد ما در آن زیر مدفون می‌شدیم. (معینی، بازایی از سایت خبرگزار ایسنا، ۱۳۸۸/۳/۳)



محمدرحمان نظام اسلامی خاطرات گزارشگری خود در دوران دفاع مقدس را چنین بیان کرده است: آن وقت‌ها صحبت از ناگرای (دستگاه ضبط گزارش رادیویی) ۴۰۰ هزار تومانی می‌کردیم، الان ۴۰۰ هزار تومان شاید رقمی محسوب نشود، ولی در سال ۶۱ زمانی که حقوق ما ۲۷۰۰ تومان بود، ۴۰۰ هزار تومان پول زیادی بود. همان موقع که حادثه مجروحیتیم پیش آمد، این را من از قول بیژن نوباره عرض می‌کنم که جزو ناجیان من بود، او می‌گفت: ما با زحمت داشتیم نظام اسلامی را جابه‌جا می‌کردیم و فقط دو تا جمله می‌گفت یک جمله اینکه پای مرا بیاورید، جمله دیگر اینکه ناگرای مرا بیاورد. البته این میزان حساسیت و کمبود امکانات را نشان می‌دهد.

اما یک خاطره دیگر از سال ۶۲ عملیات والفجر ۴ دارم. بعد از تمام شدن دعای توسل و زیارت عاشورا، بچه‌ها آماده بودند که به طرف قلعه‌های مشرف به مریوان حمله کنند. نوجوانی لنگ لنگان به طرف من آمد و با لهجه اصفهانی گفت: آقای خبرنگار از شما یک خواهش دارم. فرمانده ما نمی‌گذارد امشب در عملیات شرکت کنم. به من می‌گوید به دلیل وضعیت پاهایت دست و پاگیر هستی. بیا واسطه شو، چون شما خبرنگار هستید شاید حرف شما را گوش کند. من به او گفتم شرط اول حضور در جبهه اطاعت از فرماندهی است، شما حرف فرمانده‌تان را گوش کنید. اگر من واسطه شوم خلاف آیین حضور در جبهه عمل کرده‌ام. اشک در چشمانش جمع شد و بغض گلویش را گرفت و گفت: یعنی من لیاقت رفتن روی مین را هم ندارم؟ منقلب شدم و دلداریش دادم. این اتفاق در خرداد ۶۲ افتاد و در فروردین ۶۳ من مجروح شدم. من را آوردند به بیمارستان مصطفی خمینی. مجروح‌های قدیمی برای خوش‌آمدگویی می‌آمدند و به جدیدها سر می‌زدند. در حال زار دراز کشیده بودم. پایم پیوند شده بود و یک وزنه ۲۰ کیلویی به پایم آویزان بود. جوانی روی ویلچر نشسته وارد اتاق شد و با لهجه اصفهانی گفت: چطوری برادر، گفتم متشکرم، بهترم. گفت: خوش آمدی، منو می‌شناسی؟ گفتم: نه بیاد ندارم. گفت: من باقری هستم که شب عاشورا التماس می‌کردم واسطه شود تا به عملیات بروم. گفتم باید حرف فرمانده‌ات را گوش کنی. من در عملیات دیگری شرکت کردم و یک پای سالم را هم از دست دادم. (خزایی، ۱۳۸۵، صص ۳۱۴ و ۳۱۵)

عزت الله بیرامی راننده رادیو در دفاع مقدس در خصوص خاطراتش در جبهه و جنگ گفته است: برای تهیه گزارش به هویزه رفته بودیم. در ایستگاه صلواتی که در حال پیاده شدن از ماشین بودم، پسری نوجوان تقریباً ۱۷ ساله را دیدم که گویی از خط مقدم برمی‌گشت. وقت خم شد که آب بنوشد، دیدم پشت پیراهنش عکس تابلوی ورود ممنوع را نقاشی کرده و نوشته بود «ورود تیر و ترکش صدام ممنوع». سوژه جالبی بود و با او نیز مصاحبه‌ای انجام دادیم. (بیرامی، بازایی از سایت خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۳/۷/۲۰)

سیدحسین محمودزاده، ناظر برنامه‌های پخش رادیو در دوران دفاع مقدس خاطره خود از دوران دفاع مقدس را چنین بیان می‌کند: خاطره‌ای که دارم مربوط به جریان شهادت شهید کاوه است. در پایان یکی از ماموریت‌ها با هواپیمای سی ۱۳۰ از اهواز عازم تهران بودم که با بدن مجروح شهید کاوه در هواپیما مواجه شدم. در طول مسیر تلاش زیادی کردم تا مصاحبه کوتاهی با ایشان داشته باشم، اما وی مرتب از هوش می‌رفت و هر بار که به هوش می‌آمد فقط نام امام (ره) را تکرار می‌کرد. در فرودگاه مهرآباد از یک لحظه فرصت استفاده کردم و میکروفن را مقابل دهان او گرفتم و پرسیدم چه پیامی برای مردم خراسان داری؟ جواب داد: امام، امام، امام.

شهید کاوه با تکرار این کلمه از هوش رفت و هنگامی که آن مصاحبه از رادیو پخش شد مردم مرتب تماس می‌گرفتند و مکرراً خواستار پخش مجدد آن می‌شدند.

خیلی‌ها ممکن است در شرایط عادی، بر ضرورت حفظ یاد و نام و راه حضرت امام (ره) تاکید کنند؛ اما یک سرباز مخلص امام در آستانه شهادت، چیز دیگری است و ما شاهد بودیم که نفس قدسی این گونه افراد چه تاثیری در مردم می‌گذاشت. (خزایی، ۱۳۸۵، صص ۱۳۲ و ۱۳۳)

اسماعیل براری گزارشگر رادیو در دوران دفاع مقدس گفته است: دو بار در جبهه بازداشت شدم. گاهی حرارت و تحرک زیاد ما باعث شک نیروها می‌شد و آنها برای حفظ نظم و امنیت خطوط ناچار بودند گاهی بچه‌های ناشناس و تازه وارد به خطوط را تا زمان احراز هویت بازداشت کنند. بنابراین یک بار در سومار بازداشت شدم که زیاد طول نکشید و یکبار هم در ارتفاعات هزارقله که باز هم ده دوازده ساعت بازداشت بودم. چون در وقت استراحتم از لشکر یازده امام حسن (ع) جدا شده بودم و بدون هماهنگی رفته بودم به هزارقله که از سپاهی‌ها گزارش تهیه کنم.

به هر حال این چیزها را جزو طبیعت کار خود می‌دیدم و به جای دل‌سرد شدن جری‌تر می‌شدیم و با حرارت بیشتری به کار خود ادامه می‌دادیم. (خزایی، ۱۳۸۵، صص ۳۰۶ و ۳۰۷)

منابع

- ۱- مرکز طرح و برنامه‌ریزی سازمان صدا و سیما، «رسانه ملی، دفاع مقدس (ملاحظات، اهداف، سیاست‌ها و ضوابط، موضوعات برنامه‌سازی)»، شهریور ۱۳۹۳
- ۲- خزایی، حمیدرضا، اولین مدیر رادیو جبهه، ۱۳۹۷/۶/۳۱، بازیابی از سایت تابناک <https://www.tabnak.ir/fa/news/836024/>
- ۳- خزایی، حمیدرضا، بازیابی از سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۷/۲، <https://www.farsnews.com/news/13970626001021/>
- ۴- کریمی علویجه، محمود، گوینده پیش‌کسوت رادیو، بازیابی از سایت خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۴/۳/۳ <https://www.isna.ir/news/94030301150/>
- ۵- معینی، علیرضا، گوینده پیش‌کسوت رادیو، بازیابی از سایت خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۸/۳/۳ <https://www.isna.ir/news/8803-01628/>
- ۶- بازیابی از سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴/۶/۳۱، <https://www.yjc.ir/fa/news/5331124/>
- ۷- بیرامی، عزت‌الله، راننده قدیمی رادیو، بازیابی از سایت خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۳/۷/۲۰ <http://defapress.ir/fa/news/30905/>
- ۸- لطیفیان، شهناز، نویسنده رادیو، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۵
- ۹- چینی‌ساز، عبدالمحمد، تهیه‌کننده رادیو، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۵
- ۱۰- حائری، علیرضا، تهیه‌کننده و کارگردان تلویزیونی، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۳۵
- ۱۱- شاه‌حسینی، مجید، کارشناس رسانه، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۳۵
- ۱۲- خزایی، حامد، «قرارگاه بی‌قرار»، ۱۳۸۵، ناشر طرح آینده
- ۱۳- روغنی‌ها، محمدتقی، مدیر سابق روابط عمومی سپاه پاسداران، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۲
- ۱۴- شاه‌ویسی، ساسان، پژوهشگر مطالعات دفاعی و رسانه‌ای، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۲
- ۱۵- هاشمی، محمد، رئیس سابق سازمان صدا و سیما، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۲
- ۱۶- قدیری ابیانه، محمدحسن، کارشناس رسانه، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۱۲
- ۱۷- فراست، قاسمعلی، نویسنده، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم
- ۱۸- شاهنگیان، سیدحمید، مدیر سابق واحد موسیقی صدا و سیما، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم
- ۱۹- ارجمند، حمید مدیر سابق گروه تاریخ شبکه یک، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم
- ۲۰- جولایی، فرهنگ، تهیه‌کننده رادیو، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم
- ۲۱- رستار، قدیر، فیلم‌بردار واحد مرکزی خبر، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم
- ۲۲- کریمی، علیرضا، گوینده و مجری رادیو و تلویزیون در دفاع مقدس، مستند قرارگاه بی‌قرار، قسمت سوم
- ۲۳- پورمحمدی، محمدمهدی، مدیر سابق شبکه یک، قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۲۷
- ۲۴- هاشمی، محمد، رئیس سابق صدا و سیما، قرارگاه بی‌قرار، قسمت ۲۷